

تحلیل چالشهای درونی و بیرونی خانوارهای روستایی در بهره  
برداری پایدار از منابع طبیعی و نقش ترویج در آن: مطالعه موردی  
در روستای قوزلو در شهرستان ماهنشان

**Analyzing internal and external challenges of rural  
households in the sustainable use of natural  
resources and the Role of Extension: A case study in  
the Qozloo village, the Mahneshan Township of  
Zanjan Province**

اسماعیل کریمی دهکردی<sup>۱</sup>، کبری کریمی<sup>۲</sup>\*

<sup>۱</sup>استادیار ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان، [e.karamidehkordi@gmail.com](mailto:e.karamidehkordi@gmail.com)

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه زنجان

---

E-mail: [kobra.karimi01@gmail.com](mailto:kobra.karimi01@gmail.com)

\* نویسنده مسئول

## خلاصه

علی رغم اهمیت منابع طبیعی، روند تخریب منابع طبیعی کشور، بویژه به دلیل شیوه های کنونی بهره برداری، رو به افزایش است. این مساله بکارگیری یک رهیافت مدیریت پایدار منابع طبیعی را جهت حفظ، بهره برداری و توسعه این منابع ضروری می داند. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل موثر بر تخریب منابع طبیعی و ارائه راهکارهایی جهت مدیریت آنها با تاکید بر ترویج منابع طبیعی صورت گرفته است و یک مطالعه موردی مبتنی بر یک رویکرد کیفی گرا در روستای قوزلو واقع در شهرستان ماهنشان استان زنجان را با استفاده از فنون گروههای متمرکز، مصاحبه های نیمه ساختار یافته، و شیوه های ارزیابی سریع مشارکتی بکار گرفته است. یافته ها نشان داد که دو نوع چالش درونی و بیرونی خانوارهای بهره بردار از منابع طبیعی را در روستا تحت تاثیر قرار می دهند. مهمترین چالش های ناشی از درون روستا عبارت بودند از: استفاده بی رویه از مراتع، عدم رعایت زمان مناسب چرا، چرای مفرط، وجود دام مازاد بر مراتع، و کم توجهی بهره برداران به اهمیت و ارزش منابع طبیعی. همچنین عواملی همچون عدم پشتیبانی سرمایه گذاری، سیاستی، نهاده ای و ترویجی از خانوارهای روستایی به عنوان چالشهای بیرونی مهمی محسوب می گردند که بهره برداران منابع طبیعی را تحت تاثیر قرار می دهند. با بکارگیری یک رهیافت ترویجی مبتنی بر مدیریت شبکه دانش در عرصه مدیریت منابع طبیعی، می توان ظرفیت خانوارهای روستایی را در جهت استفاده و توسعه این منابع به صورتی پایدار تقویت نمود.

کلمات کلیدی: مدیریت منابع طبیعی، پایدار، ترویج، ظرفیت سازی، بهره برداری

## Abstract

Despite the importance of natural resources, an increasing trend of natural resources degradation exists in Iran, especially because of current methods of land use. This research aims to identify the factors affecting the degradation of natural resources and to provide strategies for their management with emphasis on the extension. This study employs a case study based on a qualitative approach in the Qozloo Village located in the Mahneshan Township of the Zanjan Province using focus groups, semi-structured interviews, and the Rapid Rural Appraisal techniques. Rural households using natural resources are influenced by internal and external challenges in their rural areas. The main internal challenges are unsustainable use of rangelands by the households, early grazing, late grazing, overgrazing, livestock numbers more than the rangeland capacity, and undervaluing natural resources. Moreover, factors such as lack of investment, policy, input and extension support to the households are considered as the main external challenges affecting the natural resources users. Designing and implementing an extension approach based on the knowledge network management in natural resources management can promote the rural households' capacity to use and develop these resources sustainably.

**Keywords:** Natural resource management, sustainability, extension, capacity building, household

## مقدمه

بهره برداری از منابع طبیعی قدمتی طولانی دارد. در آغاز زندگی بشر این بهره برداری کاملاً ابتدایی و با توجه به بکر بودن منابع، ظرفیت بهره برداری از آنها بالا بود. ولی همزمان با رشد بشر قوانین و مقرراتی برای بهره برداری از منابع ایجاد گردید که در رابطه با منابع طبیعی مشاهده می شود. زیرا این منابع تامین کننده بسیاری از نیازهای آنان همچون چراگاه، دام، تامین هیزم و زمین کشاورزی و از این قبیل بوده است و بهره برداری بیش از اندازه در طول دوران از بازدهی آن کاسته است در نتیجه باعث بروز مشکلاتی همچون فرسایش خاک، نابودی مراتع و کاهش بازدهی مراتع و منابع گردیده است (عواطفی همت، م و همکاران ۱۳۸۷؛ ساداتی نژاد، ۱۳۷۶). بر اساس آخرین آمار و اطلاعات م.ج.د مشخص گردیده است که حدود ۲٪ جمعیت جهان به طور مستقیم در مراتع اشتغال دارند ( لطف ا... زاده و قدوسی، ۱۳۸۴).

در واقع منابع طبیعی تجدید شونده از ارکان اصلی توسعه پایدار در هر جامعه ای محسوب می شوند (بنداریان و همکاران، ۱۳۸۸). مراتع کشور با وسعت ۹۰ میلیون هکتار از مهمترین منابع برای فعالیت های گوناگون اعم از زراعت، دامداری و تولید علوفه و سوخت و مهمترین منبع تولید و توسعه پایدارف به شمار می روند. همچنین یکی از منابع اساسی تولید محسوب می گردند که حفظ، احیا و توسعه آنها علاوه بر اینکه تولید پایدار و مستمر را به دنبال داشته، بخش مهمی از علوفه مورد نیاز دام را تامین می کند و نقش اساسی در حفظ آب و خاک و پایداری اکوسیستم را بر عهده دارد (مظهری و خاکسار آستانه، ۱۳۸۸) ولی متأسفانه به دلیل فعالیت های بیش از حد در این عرصه ها اعم از دامداری و زراعت، وضعیت نامناسبی برای منابع ایجاد شده است. به طوری که گزارش ها نشان از نابودی مراتع و منابع طبیعی دارد (رحیمی سوره و صادقی، ۱۳۸۴)

بنابراین شایسته است بیش از آنچه تاکنون به آن توجه شده است، مورد توجه و مراقبت قرار گیرد (رئوفی راد و همکاران، ۱۳۸۸). مراتع از ارکان اساسی منابع طبیعی تجدید شونده و محیط زیست، با نقشی که در حفظ خاک، تنظیم چرخه آب در طبیعت و فراهم نمودن

شرایط زیست و بقای حیات وحش، تأمین بخش قابل توجهی از علوفه مورد نیاز احشام اهلی و در یک کلام حفظ تعادل محیط زندگی و تأمین معیشت و ادامه امکان زیست انسان ها دارند، جایگاه آنها در اقتصاد ملی کشور حایز اهمیت است. در کشور ایران شیوه دامداری ۲۰ تا ۱۰۰٪ دامداران وابسته به مراتع است و بدیهی است که این ارقام رابطه مستقیمی با معیشت قشر دامدار مرتبط با آن دارد. با این وجود، یکی از تنگنانهایی که کشور ایران با آن مواجه است کافی نبودن مراتع برای مصرف علوفه دام ها می باشد. در این زمینه دو نکته حایز اهمیت است: (۱) تعداد دام موجود کشور بیش از ۲/۵ برابر ظرفیت مراتع کشور می باشد، و (۲) تعداد دامدار بهره بردار از مراتع ۵/۷ برابر تعداد دام متناسب با ظرفیت مراتع و کافی برای تأمین معیشت خانوارهایشان می باشد (سازمان جنگل ها ، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۸۳).

سالانه مقدار وسیعی از مراتع بر اثر چرای بیش از حد و بی موقع دام ها تخریب گردیده است و از مرحله تولید و بهره وری خارج می گردد (کردوانی، ۱۳۷۱). عدم رعایت تعادل دام و مرتع و بهره برداری بیش از حد در بسیاری از مراتع ایران، موجب تخریب این منابع شده و خسارت جبران ناپذیری به پوشش گیاهی و خاک وارد نموده است (کریمی و همکاران، ۱۳۸۸). مطالعات نشان می دهند که روند تخریب مراتع نسبت به دوره های پیشین روند رو به تزایدی داشته است. رشد سریع جمعیت و به دنبال آن مشکلات اجتماعی و اقتصادی بیش از هر زمان دیگری باعث تخریب و تهدید منابع طبیعی تجدید شونده از جمله جنگل ها و مراتع شده است. علاوه براین، نوع دامداری و مکانیزم های اقتصادی مربوط به آن، سیاست های اتخاذ شده از جمله اسکان عشایر و مسائل حقوقی نیز افزایش فشار بر مراتع را به همراه داشته اند. بهره برداری های مجاز و غیر مجازی که به طور نادرست و بی رویه از این منابع به عمل می آید سبب به هم خوردن تعادل زیست محیطی شده و به تبع آن زیانهای ناشی از این تخریب منجر به نابودی هر یک از دو طرف (انسان و محیط زیست) و در نهایت نابودی هر دو خواهد انجامید (نجفی و همکاران، ۱۳۸۷). چرای بی رویه، تبدیل اراضی مرتعی به زراعی ، استفاده بیش از حد از آب زیرزمینی مصداق هایی از

استفاده بیش از حد از منابع طبیعی می باشد (سکوتی اسکویی و فرشاد، ۱۳۷۹) (Karamidehkordi, 2010).

در مراتع، دام و پوشش گیاهی در شرایط طبیعی با یکدیگر در حال تعامل هستند. در نتیجه چنانچه این تعامل توسط انسان با اعمال مدیریت صحیح حفظ گردد می توان ضمن بهره برداری از آنها زمینه توسعه و گسترش آنها را نیز فراهم آورد. توجه به رابطه بین دام و ظرفیت مرتع از چرای مفرط جلوگیری می کند و ورود دام در زمان مناسب به مراتع فرصت لازم را برای زیاد آوری گیاهان فراهم می کند (علوی نایینی، ۱۳۸۲)..

جلوگیری از تخریب طبیعت و اکوسیستم های حیاتی اولین قدم است که خود نیازمند شناخت مشکلات و مسائل و ارائه راه کارهای مناسب را ضروری می سازد. با توجه با اینکه روند تخریب منابع و با توجه به اینکه آب و خاک به عنوان منابع پایه فعالیت های کشاورزی در مناطق روستایی کشور محسوب می شود. بنابراین لزوم حفاظت و پایداری این منابع انکار ناپذیر است (حسینی و دیگران، ۱۳۸۹). بنابراین استفاده از راه کارها و روش هایی جهت رفع مشکلات و بهبود بهره برداری و نگهداری از مراتع و ارتقای ظرفیت آنها امری انکار ناپذیر است بنابراین به نظر می رسد که برخی از عوامل در سطح خرد و تعدادی از عوامل نیز در سطح کلان باعث سیر صعودی در روند تخریب مراتع داشته و باعث کاهش بهره وری و در نهایت نابودی آنها می گردد.

آگودلو و همکاران (۲۰۰۳) تخریب محیط زیست را ناشی از بهره برداری های ناپایدار روستاییان فقیر از منابع محیطی می داند که به موجب آن آلودگی محیط زیست و به ویژه آبهای جاری را موجب می شود. این خود در اثر عواملی همچون استفاده از منابع طبیعی، تهیه هیزم، فضولات حیوانی و مانند اینها برای سوخت، چرای بی رویه دام، تغییر کاربری اراضی جنگلی و مرتعی به زراعی، استفاده از کود شیمیایی برای حاصلخیزی زمین و برداشت بیشتر محصول بوجود می آید.

افزایش جمعیت، فقر عمومی، بهره برداری بی رویه، چرای مفرط و افزایش تعداد دام به وسیله انسان عامل اصلی تخریب است. فقر پوشش گیاهی، کمبود خوراک دام با بهره

برداری از یک سو و افزایش جبری تعداد دام از سوی دیگر برای تامین اقتصاد خانوار حفظ و اصلاح مراتع را با چالش عمده ای مواجه کرده است. در چنین شرایطی بهره بردار برای استمرار حیات باید تعداد واحد دامی بیشتری را داشته باشد که در واقع گسترش تخریب مراتع و فقر عمومی را به دنبال دارد (خلیقی، قاسمی، ۱۳۸۳).

یکی از بهترین راههای حفظ این منابع، آگاه سازی بهره برداران و توانمند سازی آنها پیشنهاد داده شده است. در این زمینه، برای مدیریت منابع طبیعی و تغییر نگرش بهره برداران، ابزارهای متفاوتی مانند تشکیل جلسات متعدد، تهیه خبرنامه، تهیه و پخش فیلم های مستند ویدئویی، برگزاری کارگاه های آموزشی، برگزاری تئاتر، برنامه های رادیویی و وب سایت می تواند به کار گرفته شود. این خدمات حمایتی ترویجی ضمن تقویت احساس تعلق و مالکیت در بهره برداران و مجریان، باعث مشارکت فعال آن ها در پروژه های حفاظت آب و خاک می شود و فضایی برای احترام و اعتماد متقابل را ایجاد می کند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹ به نقل از گای، ۲۰۰۶). در حال حاضر کمبود متخصصان در تشکیلات منابع طبیعی به جهت کمی و کیفی و توزیع نامناسب آن ها در مناطق مختلف و همچنین تمرکز تشکیلات آموزش و ترویج در وزارت جهاد کشاورزی و ارتباط نداشتن آن ها با سایر مراکز در سطوح پایین تر یکی از مشکلات ترویج و سازوکارهای ارتباطی آن با بهره برداران منابع طبیعی جهت حفاظت آب و خاک است (نوروزی و ملک محمدی، ۱۳۸۶).

هدف این مطالعه، آن است که عوامل موثر بر تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به صورت موردی در روستای قوزلو شهرستان ماهشان استان زنجان مورد بررسی قرار گیرند، چالشهای درونی و بیرونی خانوارهای روستایی در بهره برداری پایدار از منابع طبیعی به صورت اکتشافی شناخته شوند، و نقش ترویج کشاورزی در این زمینه تحلیل شود.

### روش شناسی تحقیق

این پژوهش با استفاده از یک روش شناسی مطالعه موردی با استفاده از فنون ترکیبی کیفی (اسناد، مشاهده، گردش در مزارع و مراتع، بحث گروهی در گروههای متمرکز، گفتگو، مصاحبه های نیمه ساخت یافته) و کمی (مصاحبه های ساخت یافته از طریق پرسشنامه) به

جمع آوری داده ها پرداخته است. در مرحله اول، پس از بررسی اسناد و آمارهای رسمی، اطلاعات کلی روستا (فعالیت های کشاورزی، جمعیت، امکانات روستا و از این قبیل) با استفاده از فنون کیفی و جمعی مردم بدست آمد، سپس گروههای متمرکز با سه گروه مشتمل بر زنان و مردان در خصوص بهره برداری ها از مراتع و باغات و مسایل آنها تشکیل گردید. بعلاوه به اتفاق مردم محلی از مزارع و باغات مشاهده بعمل آمد و تصاویری نیز تهیه گردید. در این راستا نیز مصاحبه های نیمه ساخت یافته ای با ۲۰ نفر از روستاییان بعمل آمد. به منظور افزایش روایی و اعتبار یافته ها سعی گردید از روش مثلث سازی استفاده گردد. به گونه ای که یک واقعیت از طرق مختلف بررسی می گردید. همچنین پاسخ افراد بوسیله فرد دیگری نیز یادداشت برداری گردیده و با یادداشتهای دیگر مطابقت داده می شد و تکمیل می گردید. در مواردی نیز از ضبط صدا استفاده می شد. پاسخ مشارکت کنندگان در تحقیق نیز مجدداً برای آنها خوانده می شد تا از صحت پاسخ ها اطمینان حاصل گردد. بسیاری از یافته ها نیز با پاسخگویان خلاصه بندی و مفهوم سازی نیز گردید. همچنین از روش نمونه گیری تعمیدی برای مطالعه حاضر و با مشارکت ۲۰ خانوار روستایی استفاده شده است. اگر چه همچون بسیاری از مطالعات موردی قدرت تعمیم پذیری آن به خارج از منطقه مورد بررسی محدود می باشد، ولی از لحاظ تئوری و تعمیم پذیری تحلیلی حائز اهمیت است. در پایان داده های کیفی با استفاده از شیوه های کد بندی، تحلیل محتوا و مقوله بندی جمله ها و عبارت ها تحلیل گردیدند. داده های کمی نیز با استفاده از نرم افزارهای آماری ، SPSS ، excel با استفاده از شیوه های توصیفی تجزیه و تحلیل گردیدند.

تحقیق حاضر در روستای قوزلو از توابع شهرستان ماهشان با مساحت تقریبی ۲۰ هزار هکتار واقع در غرب استان زنجان با شرایط کوهستانی و صعب العبور و دارای کوههای بزرگ و مرتفع و دره های عمیق انجام شده است. متوسط بارندگی سالانه حدود ۳۸۰ میلیمتر بوده و عمده بارش در پاییز و زمستان به صورت برف، و در بهار به صورت باران صورت می گیرد. دامنه ارتفاعی محدوده مورد مطالعه ۳۳۰۰ متر می باشد و مستعد فعالیت های کشاورزی و دامداری است.

## نتایج

روستای مورد مطالعه جزیی از حوزه انگوران، شهرستان ماهنشان و استان زنجان می باشد که از اقلیمی نسبتاً سرد برخوردار بوده و در منطقه کوهستانی با پوشش مرتعی فصلی واقع شده است. منابع آب آن عمدتاً از رودخانه های فصلی و چشمه و منابع آب شرب نیز از چشمه ها تامین می گردد. متوسط فاصله روستا از جاده اصلی ۳۶ کیلومتر و تا مرکز شهرستان ۵۶ کیلومتر می باشد و از جاده ای با کیفیت آسفالت و شوسه برخوردار است. بنابراین می توان گفت این روستا یک دور افتادگی نسبی تا مراکز تصمیم گیری و خدمات رسانی دارد.

این روستا دارای جمعیتی بالغ بر ۲۷۳ نفر و ۶۸ خانوار می باشد. بیشتر جمعیت این روستا را افراد میانسال با سطح تحصیلات عمدتاً بی سواد و کم سواد تشکیل می دهند. در نتیجه روستا از جمعیت جوانی برخوردار نیست و این خود می تواند در پذیرش ایده های جدید و تغییر برخی نگرش ها و الگوهای زندگی تاثیر گذار باشد.

### فعالیت های مختلف معیشت خانوارها

اقتصاد روستایی جنبه های زندگی مادی ساکنان روستا را در بر می گیرد و شامل کلیه فعالیت های اقتصادی است که نیازهای مادی روستاییان را تأمین می نماید. آشکار است که در ایران، به دلیل تنوع شرایط جغرافیایی و تفاوت در قابلیت ها و توان های محیطی، فعالیت های اقتصادی روستاها یکسان نبوده و غالباً از روستایی به روستای دیگر متفاوت است. اقتصاد روستایی بر پایه کشاورزی استوار بوده و در طول چند دهه اخیر فعالیت های صنعتی و خدماتی نیز در سطح محدود در برخی روستاها گسترش یافته است. وضعیت اشتغال در روستاها و تحولات آن، نقش مؤثر و تعیین کننده ای در کم و کیف جمعیت روستایی داشته و یکی از مؤلفه های با اهمیت در پیش بینی جمعیت روستایی و تحولات آینده آن است. به منظور تعیین نقش فعالیت های مختلف کشاورزی در معیشت خانوارهای از مشارکت کنندگان در پژوهش خواسته شد تا هر یک از منابع معیشت مختلف خود را مشخص نموده و آنها را رتبه بندی نمایند که نتایج به صورت جدول شماره ۱ آمده است.



جدول ۱. رتبه فعالیت های مختلف در روستا

پرورش گوسفند	کشت اراضی زراعی آبی	صنایع دستی	پرورش گاو و بز	پرورش زنبور عسل	کشت اراضی باغی	کمک های کمیته امداد
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

با توجه به نتایج جدول مشاهده می شود که منبع اصلی معیشت روستاییان ابتدا دامداری سبک و پس از آن کشت اراضی زراعی آبی می باشد که این خود زمینه وابستگی شدید به مراتع را نشان می دهد. پرورش دام و طیور یکی از ارکان مهم اقتصاد روستایی به حساب می آید. تعداد دام های بزرگ و کوچک در منطقه مورد مطالعه در جدول شماره ۱ آمده اند. تعداد گوسفند و بز در منطقه مورد مطالعه در حدود ۵۸۰۰ رأس می باشند که از این تعداد ۴۵۰۰ رأس را گوسفند و بره و ۱۳۰۰ رأس را بز و بزغاله تشکیل می دهند. گوسفند و بره عمدتاً جهت تولید گوشت و فروش در بازار پرورش داده می شوند، در حالی که بز و بزغاله عمدتاً جهت مصرف خانوار و تهیه شیر نگهداری می گردند. علاوه بر این، ۲۲۰ رأس گاو و گوساله وجود دارد که همه این تعداد از نژادهای دورگه و بومی می باشند. در منطقه مورد مطالعه پرورش طیور به دو صورت سنتی و صنعتی انجام می شود. در شیوه سنتی هر خانوار به طور متوسط ۲۰ قطعه مرغ جهت مصارف خانوار نگهداری می نماید که با توجه به تعداد خانوار ساکن در منطقه، رقم کل آن حدود ۳۱۵۰ قطعه می باشد.

جدول ۲. تعداد دام و اراضی زراعی در روستا به تفکیک نوع و تعداد

نوع مالکیت	میزان / تعداد	میانگین برای هر خانواده
زراعی دیم	۱۰۰	۴
نوع اراضی زراعی آبی	۲۲۰	۱/۵
باغ میوه	۲۵	۰/۴
گاو	۲۲۰	۳/۲
گوسفند	۴۵۰۰	۶۶/۲
نوع دام بز و بره	۱۳۰۰	۱۹/۱
طیور	۳۱۵۰	۴۴/۱
سایر چارپایان	۱۰۰	۱/۵

در همه واحدهای دامی، خانوارها به صورت سنتی غیر عشایری (غیر کوچرو) در درون منازل و مراتع مورد بهره برداری قرار می گیرند و همگی عرفاً حق استفاده از مراتع اطراف

روستا را دارند، بنابراین نوعی نظام بهره برداری خرد در پرورش دام وجود دارد که خانوارها عمدتاً با نگهداری دام در درون منازل بخشی از علوفه مورد نیاز دام را به صورت دستی و به مدت ۶ ماه در سال از مراتع روستا استفاده می کنند. در منطقه مورد مطالعه، به دلیل تخریب پوشش گیاهی مراتع و ظرفیت پایین مالی- فیزیکی خانوارها، روستاییان قادر نیستند که از دام های خود به خوبی نگهداری نمایند. تغذیه دام های منطقه دارای شرایط نامناسبی است و روش های صحیح دامپروری در منطقه رعایت نمی شود. تغذیه دام های منطقه عمدتاً از طریق کاه و جو، علوفه خشک، نان خشک و ته چر مزارع و علوفه مراتع صورت می گیرد. در زمستان، دام ها بصورت دستی از علوفه خشک، مقداری کاه و در برخی از موارد سیوس گندم و دانه جو تغذیه می کنند. به دلیل ناکافی بودن تغذیه دام ها و عدم وجود جیره غذایی کامل در مراحل مختلف رشد (بارداری، شیردهی، رشد) و بالاخره عدم رعایت نکات بهداشتی، متوسط قدرت تولید دام های منطقه پایین می باشد. به طوریکه بدلیل عدم تغذیه مناسب و کمبود علوفه، دامداران، دام های خود را قبل از رسیدن به رشد مطلوب به فروش می رسانند. در بهره برداری از اراضی زارعی و باغی می توان گفت که متوسط سطح اراضی زارعی دیم سرانه هر خانوار ۴ هکتار و متوسط سطح سرانه اراضی زارعی آبی ۱/۵ هکتار ارزیابی می گردد. همچنین به طور متوسط هر خانوار ۰/۴ هکتار اراضی باغی دارد. بنابراین بهره برداران روستا از سطح اراضی خرد و پراکنده ای برخوردار بوده و یا به بیانی نوعی نظام بهره برداری دهقانی خرده پا در منطقه غالب می باشد.

#### قابلیت ها و چالشهای مدیریت پایدار منابع طبیعی.

گروههای متمرکز نشان داد که وجود زمین های نسبتاً مساعد ولی خرد برای زراعت و باغداری، وجود منابع آبی پراکنده در روستا، وجود زمینه مناسب در منطقه جهت احداث صنایع تبدیلی در بخش کشاورزی (دامی، زارعی، باغی)، و وجود مراتع گسترده (حدود ۲۰ هزار هکتار) قابلیت ها و فرصتهایی را برای بهبود معیشت خانوارها در روستا فراهم می سازند. با این وجود، با روند رو به تخریب مراتع، قابلیت کاربری آنها رو به کاهش گذاشته است. همچنین کوچکی واحدهای تولیدی و پراکندگی قطعات از همدیگر مشکلاتی را برای

تجهیزات زیربنائی، افزایش راندمان آبیاری، کاربرد ماشین‌آلات کشاورزی و مکانیزاسیون ایجاد کرده است که عملاً مانعی برای استفاده از روش‌های پیشرفته تولیدی می‌باشند. این عوامل ممکن است اثرات منفی ای را بر کارآئی اقتصادی منابع و عوامل تولید کشاورزی برجا بگذارد، به طوری که در بیشتر موارد نه تنها از افزایش عملکرد محصول و استفاده بهینه از عوامل و منابع تولید جلوگیری کند، بلکه در موارد بسیاری ضایعات زیست محیطی و تخریب منابع آب و خاک را نیز در پی داشته باشد. همچنین به علت عدم مدیریت صحیح، استفاده اصولی از مراتع طبیعی منطقه به عمل نیامده، و از استعدادهای طبیعی منطقه در زمینه پرورش ماهی، زنبورعسل و مانند آن بهره برداری نمی‌شود. تحلیل گروه‌های متمرکز در مورد وضع موجود بهره برداری از مراتع نشان می‌دهد که در حال حاضر بهره برداری از این منابع طبیعی تجدید شونده به شکل اثربخش و پایداری صورت نمی‌گیرد. این نوع بهره برداری و وضعیت در یک فرایند بلند مدت زمانی ایجاد شده اند و دلایل آن را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد. در این بخش به برخی از مهمترین عوامل کلیدی اشاره می‌شود

چالش‌های اساسی درون روستا در رابطه با مراتع و منابع طبیعی: بررسی گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌ها نشان داد که چالش‌های درونی روستا را در این زمینه می‌توان در موارد زیر دسته بندی نمود (جدول ۳):

الف. بهره برداری ناپایدار از منابع طبیعی: این بهره برداری بویژه باعث استفاده از گیاهان مرتعی و چرای زودرس، مفرط و خارج از فصل می‌گردد. چنانچه دام خارج از زمان مناسب آمادگی مرتع، به مرتع وارد شود خسارت ناشی از چرای زودرس، شامل کوبیدگی خاک، عدم اجازه به زادآوری گیاهان مرتعی، تکمیل نشدن رشد رویشی و زایش گیاهان، را بر مراتع تحمیل می‌نماید و در صورت استمرار، باعث حذف گیاهان خوش خوراک و ایجاد تغییر در ترکیب گیاهی و کیفیت مرتع و همچنین کاهش کمی پوشش گیاهی خواهد شد و شرایط را برای بروز سیل و تخریب و فرسایش خاک فراهم می‌کند. در این زمینه می‌توان به عوامل زیر اشاره داشت: وابستگی شدید معیشت خانوار روستایی به بهره برداری از مراتع،

عدم کنترل روی تعداد دام و ورود دام به مراتع، کمبود و محدود بودن مراتع، عدم کفایت مراتع برای دامهای موجود، تبدیل مراتع به سایر کاربری ها مانند زراعت دیم، تأمین سوخت از گیاهان مرتعی، و تخریب مراتع.

ب. عدم اقدامات مناسب حفظ و احیای مراتع: از جمله عدم اجرای برنامه های احیای مراتع، عدم امکانات حفظ و احیای مراتع و کمبود حمایت های مالی- فیزیکی و سیاستی  
پ. عدم آگاهی کافی: عدم آگاهی دامداران از اصول صحیح دامداری و بهره برداری از مراتع و شیوه های احیای مراتع.

ت. نظام مالکیت: نبود نظام مشخص و متناسب در مالکیت و بهره برداری از مراتع.

ث. شرایط آب وهوایی و خشکسالی ها: نامساعد شدن هوا و خشکسالی ها در سال های گذشته در تخریب پوشش گیاهی موثر بوده اند.

ج. مسایل بهره برداری از دام: عدم کفایت تعداد دام برای تامین معاش خانواده، کمبود علوفه و بالا بودن هزینه تامین علوفه، مشکل در فروش دام و وجود واسطه گران و دلالان، و عدم دسترسی به دامپزشک و داروهای دامی که هر ساله موجب تلفات زیاد در گله های دامی آنان می گردد.

چالش های اساسی بیرونی در رابطه با مراتع و منابع طبیعی: این دسته چالشها بیشتر مربوط به محیط سیاستگذاری، برنامه ریزی و مداخله گری ها می گردد. در این زمینه می توان گفت در اجرای طرحهای توسعه ای در عرصه مراتع در شهرستان یک ناهماهنگی وجود داشته و برنامه های جامعی در منطقه مورد بررسی برای مدیریت مراتع صورت نگرفته است. علاوه بر این می توان به تخریب مراتع و عدم احیای آنها در اثر فعالیتهای دستگاہهای اجرایی اشاره داشت. از دید مردم دولت و کارگزاران آن به مشارکت مردم در حفاظت از منابع طبیعی، آگاه سازی مردم برای مشارکت بیشتر، و سازماندهی آنها در قالب تشکل های محلی توجه ای نداشته اند. پشتیبانی ها و حمایت های اداری، حقوقی، اعتباری، برنامه ای و سرمایه گذاری ها در این زمینه نیز بسیار محدود بوده است. از نظر مردم، عوامل موثر بر تخریب منابع طبیعی و مراتع در روستای مورد نظر نه تنها به عواما درونی مربوط می گردد بلکه

عوامل بیرونی زیر نیز دخیل اند: عدم اجرای به موقع و دقیق قانون، سیاست‌گذاری ها و تصمیم گیری های نابجا، واگذاری زمین ها به صورت بی حد و حصر، مشخص نبودن وضعیت منابع طبیعی در برنامه های کلان کشور، و مشخص نبودن ارزش های زیست محیطی. از نظر آنها ارزش های منابع طبیعی در بودجه و اعتبارات دولت مشخص و اعتباراتی که برای این منابع اختصاص داده می شود بسیار ناچیز است به طوری که در منطقه روستایی آنها سرمایه گذاری صورت نمی گیرد. همچنین از جامعه روستایی آنها و مشکلات آنان شناخت صحیح و کافی وجود ندارد و برنامه ریزی ها متناسب با این واقعیت ها و محیط زندگی روستاییان صورت نمی گیرد. انجام فعالیت های عمرانی همچون جاده سازی و ساخت مسکن توسط شهرنشینان در تخریب مراتع نیز موثر بوده است. از نظر آنها، عواملی همچون کمبود حمایت‌های اعتباری، فنی و علمی از کشاورزی منطقه، ناکارآمدی اقدامات ترویج کشاورزی در آموزش مهارت ها و استفاده بهینه از منابع، عدم حضور کارشناسان کشاورزی در منطقه، محدودیت امکانات زیربنایی، نارسایی پوشش بیمه محصولات کشاورزی، بهداشتی نبودن جایگاه نگهداری دام، نبود بازارهای محلی برای عرضه محصولات کشاورزی و عدم توسعه بخش صنعت جهت کمک به معیشت مردم بر عدم استفاده بهینه از امکانات طبیعی منطقه موثر بوده اند.

جدول ۳ نکات بر گرفته از گروه‌های متمرکز در مورد چالش‌های درونی و بیرونی مدیریت پایدار منابع طبیعی

چالش‌های بیرونی	چالش‌های درونی
عدم مشارکت مردم در حفاظت و احیای منابع طبیعی	چرای زودرس، مفرط و خارج از فصل
عدم اجرای به موقع و دقیق قانون	نامساعد شدن هوا و خشکسالی در سالهای گذشته و نبود اقدامات حمایتی
عدم سازماندهی مردم در قالب تشکل های محلی جهت اقدامات بهتر و نظامدتر و ارائه بهتر خدمات و پشتیبانی ها	عدم کنترل روی تعداد دام و ورود دام به مراتع
عدم حمایت اداری، حقوقی، اعتباری، برنامه ای و سرمایه گذاری بیرونی از مردم	تخریب مراتع
عدم شناخت صحیح و کافی از جامعه روستایی و درک مشکلات آنان و عدم برنامه ریزی مناسب برای آنان و محیط زندگیشان	وابستگی معیشت خانوار روستایی به بهره برداری از مراتع
سیاست‌گذاری ها و تصمیم گیری های نابجا	تبدیل مراتع به سایر کاربری ها مانند زراعت دیم
انجام فعالیت های عمرانی همچون جاده سازی و مسکن توسط شهرنشینان	تأمین سوخت از گیاهان مرتعی
واگذاری زمین ها به صورت بی حد و حصر	نبود نظام مشخص و متناسب در مالکیت و بهره برداری از مراتع
عدم ارائه خدمات آموزشی- ترویجی مردم در مورد حفاظت و	کمبود اطلاعات در مورد بهره برداری از مراتع و شیوه های احیای مراتع، و

مشکل کمبود وسایل ارتباطی	احیای منابع طبیعی
عدم امکانات حفظ و احیای مراتع و کمبود حمایت های مالی	ناچیز بودن اعتبارات تخصیص یافته به منابع طبیعی و مشخص نبودن ارزش های زیست محیطی
کمبود و محدود بودن مراتع، عدم کفایت مراتع برای دامهای موجود	ناچیز بودن حمایت های اعتباری، فنی و علمی از کشاورزی منطقه
عدم کفایت تعداد دام برای تامین معاش خانواده	قطعه قطعه بودن اراضی
کمبود علوفه و بالا بودن هزینه تامین علوفه	عدم توسعه بخش صنعت در مناطق روستایی جهت کاهش فشار بر منابع طبیعی
کمبود آگاهی دامداران از اصول صحیح دامداری	نارسایی پوشش بیمه محصولات کشاورزی
مشکل در فروش دام و وجود واسطه گران و دلالان	نبود بازارهای محلی برای عرضه محصولات کشاورزی
عدم دسترسی به دامپزشک و داروهای دامی	بهداشتی نبودن جایگاه نگهداری دام
عدم وجود وسیله حمل و نقل	محدودیت امکانات زیربنایی و دور افتادگی روستا
قطعه قطعه بودن اراضی زراعی	

## بحث و نتیجه گیری

روستای مورد مطالعه با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، اکنون در مرحله ای قرار گرفته است که تحت هر شرایطی باید مقوله امنیت معیشت و توسعه پایدار را به طور جدی مورد توجه قرار دهد. تحقق این امر زمانی امکان پذیر است که بتوانیم منابع طبیعی را حفظ کرده و آنها را به نحو مطلوب بهره برداری کنیم. مسلماً بدون حفاظت از منابع آب، خاک، مراتع و بهره برداری بهینه از آنها نمی توان به توسعه پایدار و تولید مطمئنی در کشاورزی دست یافت. در حال حاضر رویکرد فشار بر منابع طبیعی در جوامع روستایی وجود دارد و منابع طبیعی تجدید شونده موجود به شکل ناپایداری مورد بهره برداری قرار می گیرند. این نوع بهره برداری و مدیریت منابع طبیعی در یک فرایند بلند مدت زمانی ایجاد شده اند. در فرآیند تحقق توسعه پایدار و حفظ و توسعه منابع طبیعی و بهره مندی از منافع آن، چالش های اساسی ای وجود دارند که باید مورد توجه قرار گیرند و برای رفع آنها لازم است برنامه ریزی های مناسبی صورت گیرد. اولین مورد چالشها و مشکلات مربوط به خود محیط روستا و به عبارتی چالش های درونی و بعد دیگر مشکلات و تنگناهای مربوط به خارج از محیط روستا و به عبارت دیگر چالشهای بیرونی می باشند.

دامداران روستایی خود در حد قابل توجه ای با عوامل تخریب مراتع آشنا می باشند ولی در بهبود آنها هنوز نیاز به یادگیری فنون نوین و ارتباط آنها با فنون بومی خود دارند. آنان انسان را عامل اصلی تخریب و دام را به عنوان عامل ثانویه تخریب می دانند. آنان رفع

مشکلات مربوط به مالکیت مراتع، حمایت ها و کمک های مستقیم و غیر مستقیم در امر اصلاح و احیا، ارائه سیاستی مشخص در بهره برداری از مراتع روستایی را به عنوان راه حل های بهبود وضعیت فعلی مراتع روستایی قلمداد کرده اند. همچنین فقدان سیاست های کاربری بهینه اراضی مرتعی، رویکرد برنامه ریزی بخشی و ضعف در تلفیق برنامه ها و اقدامات دستگاههای اجرایی اثرگذار بر مراتع، حضور جمعیت مازاد بر توان مرتع، وجود و اتکاء دام مازاد بر ظرفیت مراتع، عدم محاسبه ارزش ذاتی و اقتصادی مراتع و نقش آن در اقتصاد ملی را مهم می دانند. معیشت خرد و کوچک مقیاس خانوارهای روستایی و تحولات ناشی از رشد جمعیت و افزایش تقاضای اشتغال و پیامدهای آن شامل: تخریب و تبدیل مرتع به اراضی کشاورزی و سایر کاربری ها و قطع و بوته کنی مراتع برای تأمین نیازهای سوخت و از این قبیل حایز اهمیت می باشند. در این زمینه نبود مدیریت یکپارچه در عرصه های مرتعی، مشخص نبودن ارزش ذاتی زیست محیطی و اقتصادی مراتع، معیشت خرد و ضعف جوامع روستایی در اقدامات مدیریت پایدار، وابستگی معیشت خانوارهای روستایی به بهره برداری از مراتع، عدم تناسب توان اکولوژیک مراتع با میزان بهره برداری از این منابع، اثرات منفی فعالیتهای بهره برداری این جوامع بر مراتع، و تخریب کمی و کیفی مراتع در اثر بهره برداریهای غیر اصولی از نکات بسیار مهم بشمار می روند.

مدیریت منابع طبیعی پایدار دامنه وسیع دارد و مستلزم ادغام شناختها و اقدامات فنی، اکولوژیکی، اقتصادی، انسانی و اجتماعی است. برای دستیابی به مفهوم توسعه پایدار در کنار حفاظت از منابع طبیعی تحقق پذیر است. در این زمینه مدیریت پایدار از منابع طبیعی بدون مشارکت مردم امکان پذیر نمی باشد. در این بین اهمیت نقش روستاییان به عنوان مهمترین گروه بهره برداران منابع طبیعی بر کسی پوشیده نیست. برای زمینه سازی، آماده کردن و جلب مشارکت مردم، ترویج فرهنگ منابع طبیعی و توانمندسازی دانشی و اجتماعی از طریق افزایش پتانسیل های نهادسازی بویژه در قالب انجمن ها، تشکل ها، سازمان های غیردولتی و تعاونی های خاص منابع طبیعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این امر مستلزم پشتیبانی، حمایت های آموزشی، حقوقی، اداری، اعتباری و برنامه ای می باشد.

## پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش، به منظور بهره برداری مناسب از مراتع و حفظ و توسعه پایدار آن توجه به موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد. تفکر زیست محیطی زمین شاید بتواند بسیاری از آمال و آرزوهای بشری را تحقق بخشد اما این امر ممکن نخواهد بود مگر از طریق ترویج مستمر فرهنگ زیست محیطی و اقدامات مدیریت منابع طبیعی در میان اقشار مختلف و در این مورد بهتر است ابتدا در مورد مشکلات بهره برداران از مراتع که عمدتاً دامداران می‌باشند اطلاعاتی کسب نمود و بر اساس اولویت های آنان عمل نمود. با توجه به روند رو به تخریب و بیش از اندازه از مراتع منطقه توصیه می‌گردد استراتژی‌هایی بکارگرفته شود یا تسهیل گردد که خانوارهای روستایی توانمند گردند و بهره برداری هایشان متناسب با ظرفیت مراتع صورت گیرد. آگاه کردن بهره برداران از مزایای حفظ و توسعه مراتع و همچنین اثرات نامطلوب بهره برداری بیش از ظرفیت آن تا حدی مهم است ولی تاکید بیشتر باید بر بکارگیری فنون و فناوری های تنوع سازی معیشت خانوارها، همچنین فناوری های حفاظت کننده و احیا کننده مراتع باشد. تعیین نیازهای ترویجی و دعوت از کارشناسان مطلع جهت تشکیل دوره های ترویجی، و کارگاههای آموزشی و بازدید از منطقه جهت بررسی مسائل مهم می‌باشند. باید خدمات رسانی و اطلاع رسانی به روستاییان با تاکید بر ترویج کشاورزی اصلاح و ساماندهی گردد و به مقوله مشارکت جوامع محلی و نهادینه شدن نظام مشارکتی توجه بیشتری شود.

امکان سنجی و استعدادیابی ایجاد و گسترش معیشت های مکمل و همچنین تقویت و اصلاح نظامهای بهره برداری متناسب در منطقه بعنوان پیش زمینه تحول و توسعه روستایی و ترویج فنون و روشهای جدید در امور باغی، زراعی و دامی پیشنهاد می‌گردد. در این منطقه تلفیق دامپروری با فعالیت های دیگر کشاورزی اعم از باغداری، زنبورداری و از این قبیل به منظور افزایش درآمد روستاییان و کاهش هر چه بیشتر فشار بر مراتع موثر به نظر می‌رسد. آشنا نمودن مرتعداران و دامداران روستایی با روشهای حفاظت، احیاء و بهره برداری از مراتع در زمان خشکسالی نیز توصیه می‌گردد.



ارائه و اصلاح الگوی کشت متناسب با مزیت ها و محدودیتهای روستا منطبق با تواناییهای آب و خاک روستا صورت گیرد.

امکانات و نیروهای متخصص و مجرب در زمینه منابع طبیعی و آبخیزداری تأمین گردد. همچنین پیشنهاد می گردد جمعیت مازاد بهره برداران مراتع و ایجاد اشتغال برای آنها در سایر فعالیت های کشاورزی و غیر کشاورزی (در بخشهای صنعت، معدن، خدمات) همراه با حمایت از اجرای طرح های مرتع داری و حمایت های اعتباری ساماندهی شود تا منجر به حذف دام مازاد متکی به مرتع، تحول در نظام بهره برداری از مراتع، اعمال مدیریت چرا، و تثبیت حقوق بهره برداران گردد.

### منابع

۱. اسماعیلی، م. (۱۳۷۸). بررسی و مقایسه بهره وری نظام های بهره برداری در اراضی موقوفه کشاورزی. پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی.
۲. بنداریان، ن، حسینی، س، م، میردامادی، س، م، میرزایی، ا. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر نگرش کارشناسان منابع طبیعی استان گیلان نسبت به کاربرد فناوری-های اطلاعات و ارتباطات در جنگلداری اجتماعی. سومین گنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی، مشهد ۱۱-۱۲ اسفندماه ۱۳۸۸.
۳. حسینی، م. ح، رضائی، ع، توسلیان، ح، محسن زاده، م. ع، مالکی، س. صمیمی، ک. (۱۳۹۰). بررسی میزان آگاهی و نگرش کشاورزان استان خراسان جنوبی از مسائل بهداشت حرفه ای کشاورزی. فصلنامه سلامت کار ایران. ۸ (۱)، ۲۴-۲۹.
۴. حیدری، ق، بارانی، ح، عقیلی، س. م، قربانی، ج، محبوب، م. ر. (۱۳۸۹). رابطه خدمات حمایتی ترویجی و مشارکت بهره برداران در طرح های مرتعداری (مطالعه موردی، مراتع ییلاقی بلده -شمال ایران). مجله پژوهش های حفاظت آب و خاک، ۱۷ (۴)، ۶۶-۴۷.
۵. خلیقی، ن، قاسمی، ت. (۱۳۸۲). بررسی تاثیر مسائل اقتصادی - اجتماعی بر میزان مشارکت دامداران در طرح های مرتع داری (شمال استان گلستان). مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۱ (۱)، ۱۸۱-۱۹۶.
۶. رحیمی سوره، ص، صادقی، ح. (۱۳۸۴). محاسبه و تحلیل عوامل مؤثر در کارایی تولید طرحهای مرتعداری واگذار شده (خصوصی سازی مراتع) مطالعه موردی استانهای خراسان، یزد و آذربایجان غربی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه بهره وری و کارایی، ۱۳ (۵۲)، ۳۱ - ۵۲
۷. ساداتی نژاد، ج، ۱۳۷۶، آبخیزداری رهیافتی برای اشتغال زایی و فقر زدایی در مناطق روستایی، اقتصاد، جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)، ۱۳۷۶ (۱۹۶)، ۲۶ - ۳۳.

۸. سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور (۱۳۸۳). گزارش وضع موجود منابع طبیعی. وزارت جهاد کشاورزی، سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور.
۹. عواطفی همت، م، شامخی، ت، اعتماد، و، فرهادی، م، ۱۳۸۷، بررسی تاریخی مالکیت و اثر آن بر مدیریت منابع طبیعی (مطالعه موردی: چتن نوشهر)، نشریه جنگل و فرآورده های چوب، دانشکده منابع طبیعی، ۶۲ (۴)، ۳۹۷ - ۴۱۶.
۱۰. کردوانی، پ. (۱۳۷۴). مراتع، مسائل و راه حل های آن در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. کریمی، ق، مظفری، س، نیک بخت، م، ۱۳۸۸، بررسی اثر مدیریت دام و مرتع بر روند تغییرات پوشش گیاهی (تولید، درصد تاج پوشش و ترکیب کلاس خوشخوراکی) در مراتع ایستگاه مارگون استان کهگیلویه و بویراحمد، تحقیقات مرتع و بیابان ایران. ۱۶، ۳۵۳-۳۶۱.
۱۲. لطف...زاده، د و قدوسی، ج. (۱۳۸۴). مدیریت و نظام های بهره برداری از مراتع در سامانه های عرفی و اثرات آن بر خصوصیات خاک. نهمین گنگره علوم خاک ایران، تهران، ۶ الی ۹ شهریور ماه ۱۳۸۴.
۱۳. مظهری، م، خاکسار آستانه، ح. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر اجرای طرحهای مرتعداری بر کارایی مراتع (مطالعه موردی استان خراسان رضوی). نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی) ۲۳ (۲)، ۱۲-۲۰.
۱۴. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور (۱۳۸۰). تهران: مرکز آمار ایران.
۱۵. نجفی، ب، شیروانیان، ع، حق شناس، ت. (۱۳۸۷). عوامل موثر بر عدم تعادل دام و مرتع در استان فارس: مطالعه موردی مراتع کوه نمک شهرستان داراب. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۲ (۴۵)، 673-683
۱۶. نوروژی، ع، ملک محمدی، ا. (۱۳۸۶). مشکلات ارتباط تحقیق و ترویج و ساز و کارهای ارتباطی ممکن. نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۳۸۶ (۵۸)، ۱۳۵-۱۵۰.
17. Agudelo. C. Rivera. B. Tabasco. J. and Estrada, R. 2003. Designing Policies to Reduce Rural Poverty and Environmental Degradation in a Hillside Zone of the Colombian Andes, World development, 31(11): 19-24
18. Lambert D.K. and T.K. Harris. 1999. Stochastic Dynamic Optimization and Rangeland Investment Decisions, Western Journal of Agricultural Economics, 15 (2): 186-195.
19. KaramiDehkordi, E. (2010). Challenges Facing Iranian Agriculture and Natural Resource Management in the Twenty-First Century. Human Ecology, 38(2): 295-303.